



■ بار دیگر اصل ۳۱ قانون اساسی

دو روز بعد، در جلسه بیست و هشتم مجلس خبرگان بار دیگر روی اصل ۳۱ قانون اساسی بحث در می گیرد؛ بحثی جدی میان موافقان و مخالفان این اصل. متن اصل سی و یکم بار دیگر اصلاح شده است: «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها آزاد است، مقرر است مربوط به نظم راهپیمایی و اجتماع در خیابان ها و میدان های عمومی به موجب قانون معین می شود.» بعد از اینکه دکتر بهشتی متن را می خواند، موسوی تبریزی می گوید تشکیل اجتماعات و راهپیمایی باید با اجازه قبلی آزاد باشد که بهشتی پاسخ می دهد: این درست برخلاف آن چیزی است که مورد نظر بود. یعنی مامی خواهیم بگوئیم توی مسجد که می خواهند اجتماعی تشکیل بدهند، دیگر نیازی به اعلام قبلی نداشته باشد. اما موسوی تبریزی می گوید: منظور، اجتماعات و راهپیمایی هایی است که جنبه سیاسی داشته باشند، آنها باید با اجازه قبلی باشند والا موضوعات مذهبی از این بحث خارج است. اما بهشتی بار دیگر قبول نمی کند: نه آقا! مثلاً می خواهند در مسجد یک بحث سیاسی بکنند، خود شما مثلاً می خواهید بعد از نماز منبر بروید و بحث سیاسی بکنید، این اجازه و اعلام قبلی نمی خواهد. راهپیمایی هم فقط در حدی است که بخواهد در معابر عمومی و میدان ها باشد، به هر حال اجتماعات و راهپیمایی اگر در خیابان ها و معابر عمومی و میدان ها باشد باید مقرراتی داشته باشد، منهای این می خواهیم آزاد باشد. نوبت به «محمد کریمی» که می رسد چنین می گوید: «که برخلاف جمهوری اسلامی نباشد، آزاد است؛ این قید را به متن اضافه کنید.» بعد از کریمی، آیت الله «سید علی خامنه ای» سخن می گوید: «راهپیمایی یک نوع اجتماع است؛ اجتماع نشسته، اجتماعات ایستاده و اجتماعات متحرک. باید وضع خاصش را در نظر گرفت. دیگر اینکه مقررات فقط ناظر به اجتماع در خیابان ها و میدان های عمومی می شود و میدان های عمومی اعم است از معابر عمومی، معابر و کوچه ها اگر معابر و لفظی باشد که جامع تر است، بهتر است.» بعد از آن «حمید زدی» سخن می گوید: «بر حسب این اصل محافل بهائیت به صورت آزاد در همه جامی تواند تشکیل شود و طبعاً افراد هم می توانند رفت و آمد کنند؛ اصولاً با آن مسأله گمراهی قبلی تکلیفش چه می شود؟»

■ دست دولت را نبندید

نوبت به «سید حسن طاهری خرم آبادی» که می رسد، می گوید: «در مواردی ممکن است پیش بیاید که دولت مجبور بشود از یک نوع راهپیمایی یا اجتماع جلوگیری کند. بنابراین باید اینجایک کلمه ای باشد که دست دولت را نبندد و بتواند در مواردی جلوگیری را بگیرد. مثلاً همین الان قانونی که وزارت کشور داده که باید اول اجازه بگیرند و هدف را معین کنند این خودش یک پیش بینی برای جلوگیری از آن موارد است» او بعد ادامه می دهد: «ممکن است شرایطی پیش بیاید که اصلاً از آن راهپیمایی جلوگیری کند» به گفته طاهری خرم آبادی «باید مقررات به طور اعم نوشته بشود که اگر بخواهند جلوگیری کنند، بتوانند این کار را بکنند.» اما «سید اکبر پیروش» معتقد است که از حضور در خیابان ها و میدان های عمومی می شود سوء استفاده کرد. برای همین باید مقررات را در خیابان ها و میدان های عمومی قانون معین کند. او ادامه می دهد: «در پیشنهادهایی که فرستاده بودند مسأله غیر مسلح بودن را خیلی تأکید داشتند که راهپیمایی ها به صورتی باشد که غیر مسلحانه باشد و در مورد اینکه آقای طاهری فرمودند یک قدری دست دولت را باز بگذاریم، دولت باید بیشتر کوشش کند، وسایلی فراهم کند که مراکز اقتصادی، راه ها و خیابان ها را خراب نکنند ولی با این مسائل جلوراهپیمایی و اجتماعات گرفته نشود. چون اینها خاسته است برای کشور این است که در دهان و احتی هایشان را می گویند؛ شاید بسیاری از مشکلات را در این راهپیمایی ها درک نکنیم. مسأله غیر مسلح بودن هم باید به یک صورتی در بیاید.

■ اینقدر قید نگذارید

نوبت به جلال طاهری اصفهانی که می رسد، می گوید: «یک شرطی بگذارید که به

قبل از دستور خود گفت: «یکی از دوستان می گفت که من هر وقت تنها هستم و قرآن می خوانم هیچ کس غلطی از من نمی گیرد ولی وقتی در یک جمعی قرآن می خوانم در هر سطر ده، بیست غلط می گیرند. بنده هم وقتی در مسجد خودم صحبت می کنم، خیال می کنم می توانم صحبت کنم؛ وقتی که می آیم اینجا و پشت تریبون و حضور آقایان و علمای اعلام و بزرگان، یک خرده زبانم کند می شود و آن طور که باید بتوانم، نمی توانم. خوب، نکرده کار را چه بایدش کرد؟ از این کارها نکرده ایم، کار ما فقط توی مسجد بوده است. با مردم صحبت می کردیم...» بعد از صحبت های صدوقی، نامه جمعی از علمای تهران به امام خمینی در جلسه قرائت می شود: «...اعضای محترم مجلس خبرگان در پاره ای از اصول موادی را تصویب نموده که موجب نگرانی عموم مخصوصاً علمای اعلام دامت البرکات هم گردیده است، لذا استدعا می شود توجه بیشتری مبذول فرمایند که آنچه که ممکن است مورد سوء استفاده دیگران قرار گیرد، تصویب نگردد...» در نیمه جلسه می خواهند اصل ۳۱ قانون اساسی، - بعداً به اصل ۲۹ و در نهایت به اصل ۲۷ تبدیل می شود- همان اصل ۲۷ پیش نویس قانون اساسی را بررسی کنند؛ قبل از خواندن متن، دکتر بهشتی می گوید: «اصل سی و یک چیزی نیست؛ ساده است.» و کریمی به او پاسخ می دهد: «اولش چیزی نیست، بعد چیزها از آن در می آید.» تا اینکه متن را اینگونه می خوانند: «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها بدون حمل سلاح و با اعلام قبلی در خیابان ها، میدان ها و مراکز عمومی آزاد است؛ به شرط آنکه مخل امنیت، نظم عمومی و برخلاف مبانی اسلام نباشد. دولت باید امنیت اجتماع کنندگان و مراکز و مسیرها را تضمین و از درگیری های خشونت بار جلوگیری کند.»

یکی از نمایندگان سؤال می کند: «این شامل مسکن هم می شود؟» و بهشتی پاسخ می دهد: «خیر آقا! میدان هاست، میدان ها و مراکز عمومی.» بعد بهشتی ادامه می دهد: «سوآلی که مطرح است اینکه مراکز عمومی اگر بخواهد شامل سالن ها و مساجد و جاهایی که مزاحم رفت و آمد مردم هم نیست، بشود، آن قیود دیگر چرا؟ چرا ضرورت دارد که اعلام قبلی کنند؟ ضرورتی ندارد اگر بخواهند مجلسی منعقد کنند یا در مسجد جمع شوند، بروند و اعلام قبلی کنند، بنابراین، این راجع به راهپیمایی است. سؤال این است که اگر خواستند یا نصد نفر بدون اعلام قبلی در مسجد جمع بشوند، عبارت درست بشود.» بعد از آن «امیرالفضل موسوی تبریزی» اصل ۲۷ را که در متن پیش نویس قانون اساسی آمده است، قرائت می کند: «تشکیل اجتماعات آزاد است و مقررات مربوط به اجتماع و راهپیمایی ها در خیابان ها و میدان های عمومی به موجب قانون معین خواهد شد.» نماینده هائی خواهند همه درباره این ماده نظر دهند. یکی می پرسد: مسالمت آمیز یعنی چه؟ این بهانه ای به دست عده ای می دهد.

دکتر بهشتی درباره سؤال این نماینده و اصل ۲۷ پیش نویس قانون اساسی می گوید: «ملاحظه می فرمایید، یک مطلب داریم راجع به اجتماع و راهپیمایی در خیابان های عمومی اینکه قانون بعد تعیین می کند، تشکیل اجتماعات آزاد است یا باید مسالمت آمیز یا باید دیگر. این معنایش این است که این اجتماعات توی خیابان ها و میدان های عمومی نیست. این اجتماعات جای دیگری است؛ سوآلی که می کنند این است که آیا قید مسالمت آمیز لازم است؟ در غیر خیابان ها و میدان های عمومی هم قیدی لازم است یا اینکه خیر احتیاجی به این قید نیست.» بعد از آن «جعفر سبحانی» می پرسد: «راهپیمایی بدون حمل سلاح، رژه ارتش را هم شامل می شود و در حمل اسلحه آنها جلوگیری می کند یا خیر؟» که «عبدالرحیم رحمانی» به او پاسخ می دهد: «ارتش دو نوع راهپیمایی دارد؛ یکی راهپیمایی سیاسی است که حمل سلاح لازم ندارد و مثل تمام مردم در یک راهپیمایی شرکت می کنند ولی به عنوان رژه و عناوین دیگر که اگر عنوان راهپیمایی به این نوع اجتماعات داده بشود، آن وقت البته مشمول این لفظ نخواهد شد، راهپیمایی ارتش هم باید مثل همه مردم باشد.» نایب رئیس در اعتراض به توضیح رحمانی می گوید: سؤال آقای سبحانی روشن است و شما هم دو کلمه جواب دهید. ایشان می گویند ارتشی هایدون اینکه مردم دیگر با آنها باشند حق دارند با سلاح در خیابان ها راهپیمایی کنند یا خیر؟ که پاسخ رحمانی منفی است. بهشتی دوباره می پرسد دولت حق اجازه دادن به آنها را ندارد؟ که رحمانی می گوید: دولت هم حق ندارد به عنوان راهپیمایی چنین اجازه ای بدهد. حاضران در جلسه روی مفاهیم متفاوت دو پیش نویس به توافق نمی رسند تا اینکه آیت الله منتظری می گوید: «اگر بدون حمل سلاح و اعلام قبلی... هر دورا حذف کنیم به این شکل: «اجتماعات و راهپیمایی در خیابان ها و میدان های عمومی آزاد است به شرط آنکه مخل امنیت و نظم عمومی و برخلاف مبانی اسلام نباشد»، هیچ اشکالی ندارد. امارحمانی پاسخ می دهد: حمل سلاح برای اجتماع کنندگان و اشخاصی که راهپیمایی می کنند، ذاتاً خطرناک است.

جلسه به پایان می رسد با اخطار آیت الله بهشتی که می گوید: می خواستیم بررسی این ماده در یک ربع پایانی جلسه تمام شود اما چنین نشد.